

محدودیت‌های آزادی بیان در اعلامیه اسلامی حقوق بشر با رویکرد به اسناد بین‌المللی

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۱۵

تاریخ تأیید: ۹۵/۹/۲۵

سیدحسین ملکوتی*

علیرضا ناصری**

مرتضی قاسم‌آبادی***

چکیده

در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، مفاهیمی مانند اخلاق حسنه، نظم عمومی، بهداشت عمومی، منافع عمومی، حقوق و حیثیت دیگران، به عنوان محدودیت‌های آزادی بیان مقرر شده‌اند. به بیان دیگر به سبب آن اسناد، هیچ فردی مجاز نیست به استناد بر خورداری از حق آزادی بیان، محدودیت‌های مذکور را نادیده بگیرد. در این میان، اعلامیه اسلامی حقوق بشر با رویکردی متفاوت از دیگر اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر، به محدودیت‌های آزادی بیان پرداخته‌اند و موارد دیگری مانند ضوابط اسلام، حرمت انبیا، مقدسات و هر آنچه را سبب نابودی یا سستی اعتقادات شود، به محدودیت‌های آزادی بیان افزوده و قلمرو آنها را گسترش داده است. توسعه قلمرو محدودیت‌های حق آزادی بیان در اعلامیه اسلامی حقوق بشر، آن را در جایگاهی متفاوت از دیگر اسناد بین‌المللی قرار داده است و ضرورت تبیین گستره محدودیت‌های مقرر در اعلامیه و چرایی آن را از دیدگاه منطق حقوق بشر ایجاب می‌کند. این نوشتار محدودیت‌های حاکم بر حق آزادی بیان را در اعلامیه اسلامی حقوق بشر، به صورت تطبیقی با دیگر اسناد حقوق بشری ارزیابی می‌کند و به دنبال پاسخ به چرایی تفاوت‌های موجود در گستره محدودیت‌های حق آزادی بیان میان اعلامیه اسلامی حقوق بشر و دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر است.

واژگان کلیدی: حق آزادی بیان، محدودیت‌ها، اسناد بین‌المللی، حقوق بشر، اعلامیه اسلامی.

* استادیار گروه حقوق دانشگاه تبریز/ نویسنده مسئول (malakooti@tabrizu.ac.ir).

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تبریز (shams.naseri1984@gmail.com).

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تبریز (mortezaghasemabadi@yahoo.com).

مقدمه

هر شخص از نگاه انسانی از حقوق و آزادی‌های بشری برخوردار است. از نظر جهانی، حقوق و آزادی‌های بشری از نیازهای بنیادی‌اند و برای رشد و ترقی جامعه مدنی یک مسئله حیاتی تلقی می‌شدند (The Right to Freedom of Expression: Restrictions on a Foundational Right, Global trend in NGO Law, International Center for not-for-Profit Law, vol.6, p.2). همه انسان‌ها صرف نظر از حقوق و تکالیفی که یک فرد ممکن است به عنوان شهروند، عضو خانواده، کارگر، عضو سازمان یا انجمن حقوقی و خصوصی داشته باشد، در این حقوق و آزادی‌ها سهیم‌اند. اگر انسان‌ها فقط به این دلیل که انسان تلقی می‌شوند از این حقوق برخوردارند، پس حقوق بشر نسبت به همه یکسان است. به دلیل اینکه انسان بودن را نمی‌توان انکار کرد، از میان بردن یا سلب حقوق انسان نیز غیرقابل سلب است (شریفی، ۱۳۸۳، ص ۷). یکی از این حقوق غیرقابل سلب که در نظام بین‌المللی حقوق بشر بر آن تأکید شده، حق آزادی بیان است. انتقال و انتشار آزاد افکار و عقاید، یکی از گرانباترین حقوق انسانی است؛ بنابراین هر شهروندی می‌تواند آزادانه سخن بگوید، بنویسد و چاپ کند.

امروزه باوری جهانی وجود دارد که آزادی بیان با تمام ابزارهای ممکن مانند سینما، رادیو، تلویزیون و... حق بشری مهم با ابعاد اساسی، مفهومی آمیخته با دموکراسی، کلیدی برای حمایت از تمامی حقوق بشر و مفهومی بنیادین برای حفظ حقوق فردی است (Mendel, 2008, p.1). این آزادی مفهومی وسیع دارد که شامل همه فرآورده‌های قلمی (کتاب، روزنامه و مطبوعات)، فرآورده‌های کلامی (سخنرانی) و فرآورده‌های هنری (نقاشی، فیلم، موسیقی، کاریکاتور و...) می‌شود (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۴).

حق آزادی بیان با هشت مؤلفه کلیدی تعریف می‌شود:

الف) همه به‌طور برابر و بدون هیچ تفاوتی از آن برخوردارند؛ بنابراین تفاوت نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان، مذهب، سیاست یا هر عقیده دیگری، ملیت یا خاستگاه اجتماعی، دارایی و... با بهره‌مندی از این حق ارتباطی ندارد.

ب) دامنه جغرافیایی این حق نامحدود و فراتر از مرزهاست.

ج) دامنه ماهوی این حق محدود نیست، بلکه وسیع است و شامل هر گونه اطلاعات و عقایدی می‌شود.

د) این حق شامل دریافت و انتقال اطلاعات، ایده‌ها و عقاید می‌شود؛ به بیان دیگر شامل حق بر استماع و حق بر گفتن می‌شود.

ه) این حق بر متعهدان میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، الزامی مثبت تحمیل می‌کند. در این جهت برای اطمینان از مراعات این حق، دولت‌ها ملزم‌اند اقدامات ضروری مانند وضع قوانین و نیز جبران‌های مؤثر ناظر بر اقدامات ناقض آزادی بیان را به کار گیرند.

و) شیوه انتشار بیان نامحدود است. این حق از انتقال ایده یک شخص با استفاده از هر رسانه‌ای به انتخاب خودش حمایت می‌کند.

ز) هر نوع تدبیر برگرفته از سوی دولت برای محدود کردن آزادی بیان، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، مداخله در این حق تلقی می‌شود. از نمونه‌های معمولی تلاش غیرمستقیم برای محدودیت آزادی بیان، وضع مالیات‌های ویژه بر رسانه‌هاست تا فعالیت آنان را با دشواری روبه‌رو سازند؛ تحمیل تبلیغات بر رسانه‌ها برای حمایت از دولت یا ممنوعیت انتقاد نسبت به دولت، از دیگر نمونه‌های تلاش برای محدودیت آزادی بیان است.

ح) حق آزادی بیان، برای اطمینان از جریان آزاد اطلاعات و عقاید در جامعه، تکالیف ایجابی را فراروی دولت حاکم قرار می‌دهد (Daudin, 2015, p.23).

با این حال، به رغم رسمیت جهانی، آزادی بیان هنوز یک حق مطلق نیست؛ زیرا اطلاق آن می‌تواند به حقوق و آزادی‌های دیگران لطمه وارد کند. آزادی بیان ممکن است اخلاق، نظم عمومی، منفعت عمومی و بهداشت عمومی را با تهدید روبه‌رو سازد؛ به همین دلیل در همه اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر، محدودیت‌هایی برای آن در نظر گرفته شده است.

حق آزادی بیان به‌طور فراگیر در اسناد گوناگون بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی - سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، منشور افریقایی حقوق بشر و مردمان، به رسمیت

شناخته شده است. هر یک از اسناد یادشده ضمن ضرورت شناسایی این حق برای انبای بشر، با بیان دلایل منطقی، اعمال محدودیت‌هایی را نیز برای آن موجه می‌دانند. یکی دیگر از اسناد بین‌المللی که به تأسی از دیگر اسناد بین‌المللی، در به رسمیت‌شناختن این حق مشارکت داشته، اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره است. با وجود این، اعلامیه اسلامی حقوق بشر در مقایسه با دیگر اسناد بین‌المللی، دیدگاه متفاوتی نسبت به آزادی بیان و محدودیت‌های آن به کار گرفته است. از این رو باید تفاوت‌هایی که باعث تمایز اعلامیه اسلامی حقوق بشر با دیگر اسناد شده است، واکاوی شود تا بتوان زمینه‌های همگرایی آن را با دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر تقویت کرد. همچنین جهان‌شمولی اسلام، شمار روزافزون مسلمانان و تفکرات حقوق بشری و انسان‌دوستانه دین مبین اسلام، اهمیت و ضرورت تدقیق و ارزیابی مقایسه‌ای تفاوت‌ها را در عرصه محدودیت‌های حق آزادی بیان ایجاب می‌کند. در نوشتار حاضر محدودیت‌های حق آزادی بیان در اعلامیه اسلامی حقوق بشر با عطف توجه به دیگر اسناد بین‌المللی بررسی شده است و پرسش‌های ذیل تحلیل و ارزیابی شده‌اند: محدودیت‌های موجه بر حق آزادی بیان از دیدگاه اعلامیه اسلامی حقوق بشر کدام‌اند؟ این محدودیت‌ها تا چه میزان با محدودیت‌های یادشده در سایر اسناد بین‌المللی انطباق دارند؟ چه تفاوت‌هایی میان اعلامیه اسلامی و دیگر اسناد وجود دارد و علت آن چیست؟

۱. واکاوی تطبیقی محدودیت‌های اعلامیه اسلامی حقوق بشر بر حق آزادی بیان با سایر اسناد بین‌المللی

امروزه نوعی توافق عمومی وجود دارد که باید برای آزادی بیان نیز حد و مرز مشخص کرد و آزادی بیان نیز همانند دیگر جلوه‌های آزادی، نمی‌تواند مطلق باشد. از این رو همه جوامع بشری محدودیت‌هایی را بر آزادی بیان وضع می‌کنند؛ زیرا ممکن است اعمال آزادی بیان در تلاقی با ارزش‌های دیگر قرار گیرد. اعلامیه حقوق بشر اسلامی - مصوب دسامبر ۱۹۸۹م - با پیروی از قاعده مذکور، برای اعمال محدودیت بر آزادی بیان مطلق، به بحث آزادی بیان و محدودیت‌های آن نگاه ویژه‌ای دارد. همین دیدگاه

ویژه آن را در جایگاه متفاوتی با دیگر اسناد بین‌المللی قرار می‌دهد.

بند الف ماده ۲۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر برخورداری از حق آزادی بیان را برای همه انسان‌ها به رسمیت می‌شناسد و تنها ضابطه و محدودیت حق آزادی بیان را عدم مغایرت با اصول شرعی اعلام کرده است. اعلامیه اسلامی حقوق بشر در این باره مقرر می‌دارد: «هر انسانی حق دارد نظر خود را به شکلی که مغایر اصول شرعی نباشد، بیان کند».

بند ب ماده ۲۲ نیز صورت دیگری از همان مفاد بند الف را بیان کرده، اعلام می‌کند: «هر انسانی حق دارد برای خیر و نهي از منکر، بر طبق ضوابط شریعت اسلامی دعوت کند». به نظر می‌رسد بند ب چیزی افزون بر آنچه در بند الف ذکر شده است، بیان نمی‌کند؛ زیرا محدودیت بیان شده در این بند مانند بند پیشین، همان ضوابط اسلام است. موضوع بند الف، آزادی بیان به شکلی کلی با همه مصادیق و جلوه‌های اعم از سخنرانی، فیلم، تلویزیون، مطبوعات و... است، در حالی که موضوع بند ب، امر به معروف و نهي از منکر است و می‌تواند به عنوان یکی از مصادیق و جلوه‌های بیان مطرح باشد که به صورت ضمنی در بند الف حمایت شده است؛ در نتیجه به نظر می‌رسد بند ب حکم تازه‌ای را بیان نمی‌کند (مهرپور، ۱۳۹۰، ص ۳۴۴).

بند ج ماده ۲۲ این‌گونه بیان می‌کند:

تبلیغات یک امر ضروری برای جامعه است و سوء استفاده و سوء استعمال آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیا یا به کارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزش‌ها یا متشتت شدن جامعه یا زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود، ممنوع است.

این بند، طیف دیگری از محدودیت‌های آزادی بیان را حمایت می‌کند که در هیچ‌یک از اسناد جهانی و منطقه‌ای ذکر نشده است. هرچند می‌توان برخی از این محدودیت‌ها را داخل مفاهیمی چون اخلاق - که در اسناد جهانی و منطقه‌ای به آن اشاره شده است - جای داد. با توجه به مطالب پیش‌گفته، این اعلامیه تنها سند بین‌المللی است که به صورت آشکار، مواردی چون حمله به مقدسات و کرامت انبیا را از زمره محدودیت‌های موجه بر حق آزادی بیان می‌داند.

اعلامیه اسلامی حقوق بشر نه تنها بر محدودیت‌هایی تکیه کرده است که در دیگر اعلامیه‌های حقوق بشر به صورت روشن درج نشده است، بلکه در مسئله آزادی بیان

عقاید، نسبت به دیگر اسناد حقوق بشری موضعی کاملاً متفاوت گرفته است. ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، انتشار عقاید را برای همه افراد بشر با همه وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد می‌داند. همچنین ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، آزادی ابراز مذهب و عقاید را به صورت فردی یا جمعی و علنی یا مخفی، حق همه افراد بشر می‌داند؛ ولی در اعلامیه اسلامی حقوق بشر، آزادی بیان مشروط و محدود به این امر است که به زیان یا نابودی عقاید اسلامی منجر نشود. این مسئله در ماده ۲۴ اعلامیه که حقوق و آزادی‌های سیاسی را به مطابقت آن با احکام اسلام مشروط کرده است، بیشتر نمایان می‌شود؛ زیرا در دین اسلام افراد نمی‌توانند عقاید کفرآمیز خود را آزادانه بیان کنند و بیان عقاید کفرآلود، مجازات مرگ را به دنبال خواهد داشت (شیروانی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۰). این موضع اعلامیه، یکی از اساسی‌ترین موارد تمایز با دیگر اسناد حقوق بشر به شمار می‌آید.

بند د ماده ۲۲ اعلامیه اسلامی حقوق بشر مقرر داشته است:

برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست.

این بند که یکی از خطوط قرمز آزادی بیان را برانگیختن حس تبعیض نژادی می‌داند، شاید تنها بند ماده ۲۲ است که با دیگر اسناد جهانی همخوانی کامل دارد.

با توجه به توضیحات پیش گفته، فهرست محدودیت‌های موجه بر آزادی بیان از دیدگاه ماده ۲۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی عبارت است از: ضوابط اسلام، مقدسات و کرامت انبیا، ایجاد اختلال در ارزش‌ها، متشتت شدن جامعه، نابودکردن یا زیان‌رساندن به اعتقادات، سوء استفاده و سوء استعمال تبلیغات و برانگیختن حس تبعیض نژادی. این موارد با نگاهی به دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشری، به تفصیل در قسمت بعد واکاوی می‌شود.

۱-۱. ضوابط اسلام

اسلام برای آزادی بیان، اصالت و قداست ممتازی قائل شده، آن را به رسمیت شناخته است و از آن به عنوان ابزاری برای شکوفایی اندیشه، رشد و تعالی مادی و

معنوی بشر یاد می‌کند.

«بیان» از آیات مقدس الهی است که خداوند بلافاصله پس از خلقت انسان به او آموخته است. خداوند متعال در سوره مبارکه الرحمن فرموده است: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن: ۳-۴). از دیدگاه اسلام، آزادی بیان ضوابط و مرزهای خاصی دارد و رعایت آنها الزامی است. این مرزها به‌طور کلی عبارت‌اند از: ممنوعیت توهین به مقدسات، ممنوعیت هتک افراد، لزوم حفظ اصول و موازین اخلاقی، ممنوعیت توطئه و براندازی و ضرورت حفظ نظام جامعه و شرع. بر این اساس اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز به تأسی از این رویکرد، ضوابط اسلام را به عنوان یکی از محدودیت‌های آزادی بیان ذکر کرده است.

یکی از موارد ابهام این است که ماده ۲۴ اعلامیه، همه حقوق و آزادی‌ها از جمله حق آزادی بیان را به مطابقت آن با احکام اسلام مشروط کرده است و در ماده ۲۵ شریعت اسلام را به عنوان تنها مرجع برای تفسیر یا توضیح هر یک از مواد معرفی کرده است. روشن است در بطن دنیای اسلام، مذاهب زیادی وجود دارند و هر یک از این مذاهب به رغم مشترکات قابل توجه، اختلافات بسیاری نیز در شیوه و چگونگی بیان مسائل و احکام اسلام دارند.

با توجه به ضابطه کلی اعلامیه در مورد اسلام، این پرسش مطرح می‌شود که در محدودیت‌های آزادی بیان، موازین و احکام کدام یک از فرقه‌ها و مذاهب اسلامی باید مبنا قرار گیرد؟ زیرا با توجه به تعدد مذاهب گوناگون اسلامی، ضوابط و معیارهای موجود در دین اسلام می‌تواند متغییر و متفاوت باشد؛ برای مثال ممکن است معیارهایی که نزد پیروان مذهب شافعی یک ارزش تلقی شود، نزد پیروان مذهب حنفی یا حنبلی ارزش نباشد. علاوه بر این ممکن است در یک مذهب خاص، قرائت‌ها، تفاسیر و نظرهای گوناگونی درباره یک مسئله وجود داشته باشد؛ برای نمونه انتشار آثار دیگران بدون اجازه صاحب اثر، می‌تواند یکی از محدودیت‌های لازم بر حق آزادی بیان باشد. اگر تشخیص این مطلب به شرع و نظرهای گوناگون فقهی ارجاع شود، ممکن است رویکردهای متفاوتی مطرح شود؛ برای مثال امام خمینی^۱ در *تحریر الوسیله* مقرر داشته است:

آنچه که معروف به حق الطبع شده است، حق شرعی به حساب نمی‌آید؛ بنابراین چاپ کتاب و نوشتن جمله، حق چاپ و تقلید محفوظ است، فی نفسه حقی ایجاد نمی‌کند. لذا دیگران می‌توانند آن را چاپ نموده و از آن تقلید کنند و هیچ کس نمی‌تواند مانع از این کار شود (خمینی، ۱۳۸۰، ص ۶۲۵).

در مقابل، برخی دیگر از فقها حقوق مؤلف و مبتکر را از حقوق عقلایی دانسته و رعایت آن را لازم شمرده‌اند (آیتی، ۱۳۷۵، ص ۷۰). حال این پرسش پیش می‌آید که مقصود از ضوابط اسلام، کدام قرائت و تفسیر از اسلام است؟ اعلامیه حقوق بشر اسلامی در این باره ساکت است.

افزون بر اختلاف مذاهب و تفاسیر گوناگون در مورد اسلام، ضوابط اسلام محدودیتی بسیار کلی است که می‌تواند محدودیت‌های بسیار زیادی به دنبال داشته باشد؛ زیرا اسلام برخی از امور در حوزه بیان مانند توهین، تهمت، افشای اسرار نظامی برای دشمنان، انتشار مطالب علیه مقدسات، ایجاد اختلاف در میان امت اسلامی، انتشار تصاویر مستهجن و... را مجاز نمی‌شمارد. با وجود کلیت و شمول لفظ «ضوابط اسلام»، در اعلامیه مذکور، به برخی از موارد به صورت خاص اشاره شده است. این محدودیت، خاص اعلامیه اسلامی حقوق بشر است و دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر چنین محدودیتی را که فقط بر پایه مضامین دینی باشد، در نظر نگرفته‌اند. از این جهت محدودیت مذکور قابل تطبیق با هیچ یک از اسناد بین‌المللی نیست؛ اگرچه برخی مصادیق ممنوعیت‌های اسلامی قابل تطبیق با محدودیت‌های مذکور در دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر است؛ مانند حرمت توهین و تهمت که قابل انطباق با «حفظ حقوق و حیثیت» دیگران می‌باشد.

۲-۱. حمله به مقدسات و کرامت انبیا

یکی دیگر از محدودیت‌های مد نظر اعلامیه اسلامی حقوق بشر، حمله به مقدسات و کرامت انبیاست. اگرچه لزوم حفظ کرامت انبیا به عنوان مقدسات، یکی از مرزهای آزادی بیان مطرح شده است؛ ولی به نظر می‌رسد مطلب جدیدی را بیان نکرده است. زیرا انبیا و پیشوایان در اسلام، در زمره بزرگ‌ترین مقدسات و جانشین خدا بر روی زمین محسوب

می‌شوند (ر.ک: بقره: ۳۰)؛ بنابراین اعلامیه اسلامی این بند را به عنوان محدودیت آزادی بیان مقرر کرده است تا تأکیدی بر مسئله یادشده و میزان اهمیت آن باشد.

چنین حمایتی از مقدسات و انبیا، خاص اعلامیه اسلامی حقوق بشر است و هیچ یک از اسناد جهانی و بین‌المللی این‌گونه محدودیتی را بر آزادی بیان مقرر نداشته‌اند.* دیوان اروپایی حقوق بشر در برخی آرای خود، توهین یا هرگونه بیانی علیه مقدسات دینی را در صورتی که برخلاف احساسات مذهبی دیگران باشد، ممنوع دانسته است (نقیب، ۱۳۹۰، ص ۱۳۰)؛ ولی همچنان هیچ یک از این اسناد بین‌المللی، حرمت انبیا و مقدسات را به عنوان محدودیتی بر آزادی بیان به رسمیت نمی‌شناسند. در مواردی نیز که نقض یا بی‌احترامی به مسائل دینی، به عنوان محدودیت بر آزادی بیان پذیرفته شده است، از باب مغایرت آنها با تعالیم دینی نیست، بلکه به جهت مغایرت آنها با حقوق دیگران، اخلاق حسنه یا دیگر محدودیت‌های آزادی بیان در اسناد بین‌المللی حقوق بشر است. به عبارت دیگر از منظر اسناد بین‌المللی حقوق بشر، تعالیم دینی از آن جهت که تعالیم دینی‌اند، هیچ‌گاه نمی‌توانند محدودیتی برای آزادی بیان ایجاد کنند.

اگرچه می‌توان با تفسیری موسع، حرمت انبیا و مقدسات را در چهارچوب حقوق اخلاقی مذکور در اسناد بین‌المللی پذیرفت؛ ولی به نظر می‌رسد اسلام و اخلاق مد نظر اسناد بین‌المللی حقوق بشر، به صورت کامل بر یکدیگر منطبق نیستند و تفاوت‌های بنیادینی با یکدیگر دارند. مهم‌ترین تفاوت‌ها، سیالیت مفهوم اخلاق در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون است، در حالی که احکام و موازین اسلام از ثبات و تغییرناپذیری بسیار بیشتری برخوردار است.

* گرچه در این مورد اسناد جهانی و بین‌المللی حقوق بشر چنین رویکردی را به کار گرفته‌اند؛ ولی در نظام حقوقی برخی کشورهای اروپایی همچون نظام حقوقی کامن‌لا، توهین به مقدسات با عنوان «Blasphemy» جرم شناخته شده است. بر اساس تعریفی که حقوقدانان غربی از این اصطلاح ارائه کرده‌اند، قاعده مزبور نه تنها شامل توهین به مقدسات می‌شود، بلکه هرگونه انکار مسیحیت، کتاب مقدس یا انکار وجود خداوند، مصداق این جرم به‌شمار می‌رود؛ برای مثال، در انگلستان این مسئله فقط انکار حقانیت دین مسیح یا اعتبار کتاب مقدس از راه نوشته، چاپ، آموزش یا بیانات همراه با توصیه، بر اساس قانون، جرم شناخته شده، برای آن مجازات‌های متعددی در نظر گرفته شده است؛ فقط مقدسات دین مسیحیت مورد حمایت قرار گرفته است و دیگر ادیان الهی از چنین پشتیبانی برخوردار نیستند (ر.ک: هاشمی، ۱۳۹۱، ص ۴-۵).

۳-۱. ایجاد اختلال در ارزش‌ها

یکی دیگر از محدودیت‌هایی که اعلامیه اسلامی برای حق آزادی بیان مقرر کرده است، ایجاد اختلال در ارزش‌هاست. از این محدودیت این مفهوم به ذهن متبادر می‌شود که در نوعی ارزش خاص برای یک جامعه - که آن را به رسمیت شناخته‌اند - به گونه‌ای اختلال ایجاد شود که باعث جریحه‌دار شدن احساسات بسیاری از افراد آن جامعه خاص شود؛ مانند ارزش‌های اخلاقی، مذهبی و...؛ با این توضیح، در ابتدا باید خاطرنشان کرد یکی از مشکلات موجود درباره همه اسناد بین‌المللی حقوق بشر کلی‌گویی آنهاست. اعلامیه حقوق بشر اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. در این اعلامیه نیز از الفاظ کلی و مبهم استفاده شده است که قابلیت تفسیرهای گوناگون را دارد.

عبارت ایجاد اختلال در ارزش‌ها به عنوان یکی از محدودیت‌های حق آزادی بیان از دیدگاه اعلامیه اسلامی حقوق بشر، واجد برخی ایرادات اساسی است. لفظ ارزش دارای سیالیت مکانی و زمانی بسیار بالایی است؛ یعنی ممکن است یک امر در یک مکان یا زمانی ارزش تلقی شود؛ ولی در مکان و زمان دیگری ارزش محسوب نشود. به علاوه اینکه ارزش جنبه‌های بسیار متنوع و زیادی دارد؛ مانند ارزش‌های دینی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... . پرسشی که در این باره مطرح می‌شود اینکه از منظر اعلامیه اسلامی حقوق بشر، اختلال در کدام نوع از ارزش‌ها باید مبنایی برای اعمال محدودیت برای آزادی بیان به‌شمار آید؟ آیا اگر کسی علیه یک ارزش ورزشی یا اقتصادی سخنی بیان کند، می‌توان مانع او شد؟

روشن است نمی‌توان هرگونه بیانی علیه هر ارزشی را محدود کرد؛ زیرا در مورد محدودیت‌های آزادی بیان، اصل بر تفسیر مضیق است (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۴). اگرچه اعمال برخی از محدودیت‌ها بر آزادی بیان ضروری به نظر می‌رسد؛ ولی باید توجه داشت اعمال محدودیت‌های مزبور تحت شرایط خاصی صورت گیرد؛ زیرا اصل، آزادی بیان بوده است و محدودیت‌ها استثنا هستند. به لحاظ حقوقی استثنائات باید به صورت مضیق تفسیر شوند تا به اصل لطمه‌ای وارد نشود؛ یعنی دامنه استثنائات نباید آن‌گونه گسترده باشد که اصل زایل شود (رضایی‌نژاد، ۱۳۸۰، ص ۲۸)؛

۱۶۶

بنابراین اصالت حق مزبور محرز بوده است و مستثنیات در صورتی اعمال می‌شود که کاملاً شفاف و به صورت مضیق به کار روند. به علاوه اعمال چنین محدودیت‌هایی با پیش‌فرض قبلی مجاز نیست، مگر اینکه در چهارچوب حقوقی پیش‌بینی شده نظام حقوق بشر انجام شود. به همین دلیل باید مقصود اعلامیه اسلامی حقوق بشر از ارزش آشکار شود تا ایجاد اختلال در آن ارزش به عنوان محدودیتی برای آزادی بیان در نظر گرفته شود. اعلامیه اسلامی نه مصادیق چنین ارزشی را مشخص کرده، نه حتی تعریف دقیقی از آن ارائه داده است؛ برای مثال، مراسم سوگواری در ماه محرم برای مسلمانان مذهب شیعه، ارزشی مذهبی و دینی است، در حالی که برای بسیاری از مذاهب دیگر مانند مذاهب اهل سنت، به عنوان ارزشی مذهبی به رسمیت شناخته نشده است؛ بنابراین نوع نگرش مسلمانان و اختلاف دیدگاه در مورد مسئله ارزش، به تفسیر نیاز دارد. کلی‌نگری اعلامیه اسلامی حقوق بشر در این باره، قابل انتقاد است. با کمی تأمل می‌توان دریافت این محدودیت نیز خاص اعلامیه اسلامی حقوق بشر بوده و بالطبع در این باره هیچ‌گونه همگرایی با دیگر اسناد بین‌المللی وجود ندارد. همین مسئله باعث فاصله‌گرفتن اعلامیه اسلامی با دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر شده است.

۴-۱. متشتت‌شدن جامعه

محدودیت دیگری که از دیدگاه اعلامیه اسلامی حقوق بشر، برای آزادی بیان موجه شناخته شده، مسئله متشتت‌شدن جامعه است. منظور اعلامیه اسلامی حقوق بشر از این محدودیت آن است که اگر به واسطه آزادی بیان، جامعه‌ای دچار تشتت و بی‌نظمی شود، آن را می‌توان محدود کرد. ایجاد تشتت در جامعه اگرچه در هیچ یک از اسناد بین‌المللی حقوق بشر به عنوان محدودیتی برای آزادی بیان در نظر گرفته نشده است؛ ولی به نظر می‌رسد مقصود از آن همان حفظ نظم عمومی است که در تمام اسناد بین‌المللی حقوق بشر به عنوان محدودیتی بر آزادی بیان تأکید شده است.

نظم عمومی مسئله‌ای مرتبط با اخلاق، سیاست، اقتصاد و مبانی تمدن حاکم بر یک کشور است؛ این امور متغیر است و از جامعه‌ای به جامعه دیگر و حتی از زمانی به زمان دیگر متفاوت است. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان نظم عمومی را به دو شاخه

«نظم عمومی ملی» و «نظم عمومی فراملی» تقسیم کرد. می‌توان گفت نظم عمومی داخلی هر کشور، عبارت است از مجموعه قواعد آمره حاکم در آن کشور که در قوانین امری و اخلاق حسنه آن جامعه وجود دارد (صادقی، ۱۳۸۴، ص ۹۴). نظم عمومی بین‌المللی نیز شامل آن دسته از اصول و قواعد بین‌المللی است که اساس نظام حقوق بین‌الملل، محسوب شده و نسبت به دیگر بخش‌های حقوق بین‌الملل، موقعیت حقوقی برتری دارند. قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام، هسته مرکزی نظم عمومی بین‌المللی را تشکیل می‌دهند (حدادی، ۱۳۸۹، ص ۶۹).

به‌طور کلی در مورد نظم عمومی دو دیدگاه متناقض وجود دارد؛ یکی دیدگاه نوعی و دیگری دیدگاه ذهنی. به اعتقاد دیدگاه نوعی عناصر نظم عمومی را باید در روابط عینی کاوید؛ بدین معنا که مثلاً اگر در نقطه‌ای آشوبی رخ دهد یا گروهی در خیابان تجمع کنند و با حمله به مردم یا شکستن شیشه‌ها به ارباب مردم بپردازند، نظم عمومی مختل خواهد شد. بر اساس دیدگاه ذهنی اعتقاد بر این است که نظم عمومی همان اصول کلی حیات اجتماعی است که به‌طور مشخص در قوانین و یا قواعد اخلاقی تجلی یافته است. با توجه به مطالب یادشده، مقررات بین‌المللی حقوق بشر از دیدگاه نوعی پیروی می‌کنند؛ زیرا بر اساس این مقررات، تعریف ملی از نظم عمومی تا جایی معتبر است که با تعریف مقررات بین‌المللی مطابقت داشته باشد؛ در غیر این صورت حتی صلاحیت تقنینی کشورها نیز بر اساس مقررات بین‌المللی لازم‌الاجرای حقوق بشر محدود می‌شود؛ بنابراین هیچ کشوری نمی‌تواند نقض مقررات داخلی خود را به عنوان عملی مغایر با نظم عمومی تلقی کند (مولایی، ۱۳۷۸، ص ۳۳).

هرچند به نظر می‌رسد در مورد نظم عمومی میان اعلامیه اسلامی و دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر همگرایی وجود دارد؛ ولی باید در نظر داشت نظم عمومی از نوعی سیالیت برخوردار است. به همین دلیل برخی حقوق‌دانان مانند موریس هوریو (Maurice Haurio) معتقدند نظم عمومی به مفهوم پلیس، نظم مادی و خارجی است. شورای دولتی فرانسه با نگاهی عام‌تر، عناصر معنوی را نیز در مقوله نظم عمومی قرار می‌دهد؛ برای مثال دادرسی اداری فرانسه حمایت از زیبایی را از زمره نظم عمومی به حساب می‌آورد. در جای دیگر، شورای دولتی فرانسه مطابق رأی ۲۷ اکتبر ۱۹۹۵م،

پاسداری از کرامت آدمیان را یکی از عناصر نظم عمومی دانسته است. در رأی ۱۸ دسامبر ۱۹۹۵م، ممنوع کردن فیلمی را به خاطر مسائل غیراخلاقی، مجاز می‌شمارد. از سوی دیگر، گاهی برخی عناصر سازنده نظم عمومی می‌تواند نسبت به دیگر عناصر وجهه پُررنگ‌تری به خود بگیرد. به عبارت دیگر جایگاه و اعتبار عناصر سازنده نظم عمومی، می‌تواند از محیطی به محیط دیگر متفاوت باشد؛ مثلاً عناصر اخلال در نظم عمومی یک جامعه دین‌مدار مانند نظم عمومی دینی در ایران، با عناصر اخلال یک جامعه لاییک مثل نظم عمومی لاییک در فرانسه یکسان نیست (گرجی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۵-۱۰۷). از این رو باید دید منظور اعلامیه اسلامی از تشتت شدن جامعه و بهم‌خوردن نظم آن در اثر آزادی بیان چیست؟ در صورتی که این امر با مسئله نظم عمومی قابلیت انطباق دارد، چه چیزهایی می‌تواند مصادیق این تشتت باشد؟ این امر در حالی است که اعلامیه اسلامی با دیدی کلی، نه تعریف دقیقی از مسئله تشتت جامعه ارائه داده، نه مصادیق آن را فهرست کرده است؛ زیرا ممکن است برای مثال مصادیق تشتت جامعه در کشوری که بیشتر مذهب شیعه در آن رایج است، با کشوری سنی‌مذهب و نوع دیدگاهی که نسبت به مسئله نظم عمومی دارند، متفاوت باشد و در این مقوله شدت و ضعف خاص خود را بطلبد.

۵-۱. نابودکردن یا زیان‌رساندن به اعتقادات

نابودکردن و زیان‌رساندن به اعتقادات، یکی دیگر از محدودیت‌های آزادی بیان است که اعلامیه اسلامی حقوق بشر بر آن تأکید دارد. اعلامیه اسلامی بدین منظور چنین محدودیتی را مقرر داشته است که از طریق آزادی بیان، اعتقادات مذهبی خاص یا گروهی که عقاید ویژه‌ای دارند، نابود نشود یا زیانی به آن وارد نشود. نخست باید اشاره کرد یکی از اساسی‌ترین نقاط تفاوت مذاهب گوناگون اسلامی و اسناد بین‌المللی حقوق بشر، نوع نگرش به مسئله آزادی عقیده است؛ زیرا در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، آزادی عقیده همچون آزادی بیان حمایت شده است و هرکس می‌تواند عقیده خود را انتخاب و ابراز کند و هر زمانی که خواست از عقیده پیشین برگردد. در این جهت ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر داشته است:

هر کس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و ایمان و نیز شامل آزادی تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی می‌باشد. هر کس می‌تواند از این حقوق منفرداً یا مجتمعاً به صورت خصوصی و عمومی برخوردار گردد.

داشتن حق انتخاب مذهبی خاص همراه با آیین آن، یکی از جنبه‌های فردگرایانه آزادی عقیده به شمار می‌آید (Scolincov, 2011, p.161). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این ماده آزادی مذهبی را به صورت کامل پذیرفته است و به صورتی آشکار بر حق تغییر مذهب که یکی از لوازم آزادی عقیده است، تأکید دارد. البته در هنگام تصویب ماده مذکور، تلاش‌هایی برای حذف عبارت «آزادی تغییر مذهب» از سوی کشورهای عربستان و مصر صورت گرفت که این تلاش‌ها بی نتیجه ماند (هاشمی، ۱۳۹۱، ص ۳۴۲). احتمالاً دلیل تلاش کشورهای مذکور در حذف عبارت پیش‌گفته، ریشه در این واقعیت داشت که اسلام، آزادی عقیده به شکل یادشده را نپذیرفته است. شاید به همین دلیل است که اعلامیه اسلامی حقوق بشر در قبال آزادی عقیده سکوت کرده و هیچ یک از مواد خود را به این امر اختصاص نداده است.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که اعلامیه اسلامی با ذکر این محدودیت برای آزادی بیان، رویکرد متفاوتی را با دیگر اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر به کار گرفته است؛ زیرا در هیچ یک از اسناد بین‌المللی، نابودکردن یا ضرررساندن به اعتقادات، به عنوان محدودیتی برای آزادی بیان پیش‌بینی نشده است. اگرچه بند ۳ ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، محدودیت آزادی ابراز عقاید و مذهب را به خاطر حمایت از امنیت ملی، سلامت یا اخلاق عمومی حقوق و آزادی‌های دیگران، پذیرفته است؛* ولی اعمال محدودیت به خاطر آسیب به اعتقادات، زمانی جایز است که با سایر موارد پیش‌گفته در تعارض باشد. به بیان دیگر، این امر نمی‌تواند به صورت مستقل محدودیتی بر آزادی بیان باشد.

* بند ۳ ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی چنین بیان می‌کند: «آزادی ابراز مذهب یا معتقدات را نمی‌توان تابع محدودیت‌هایی نمود، مگر آنچه منحصراً به سبب قانون پیش‌بینی شده و برای حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران ضرورت داشته باشد».

شاید بتوان علت تفاوت آشکار اسناد بین‌المللی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی را در منبع و منشأ این اسناد یافت. به عبارت دیگر، اعلامیه اسلامی حقوق بشر ریشه در تعالیم وحیانی اسلام دارد، در حالی که سایر اسناد بین‌المللی صرفاً حاصل و دستاورد تفکر انسانی است که افق دیدش فراتر از این جهان مادی نمی‌رود. به همین دلیل به نظر می‌رسد در بسیاری موارد، امکان همگرایی کامل میان نظام حقوقی اسلام و اسناد بین‌المللی حقوق بشر متصور نباشد.

۶-۱. سوء استعمال تبلیغات و برانگیختن حس تبعیض نژادی

مورد دیگر از مصادیق مد نظر اعلامیه اسلامی حقوق بشر به عنوان محدودیت بر آزادی بیان، مسئله سوء استفاده و سوء استعمال تبلیغات است. مقصود اعلامیه اسلامی حقوق بشر از به رسمیت شناخته شدن این محدودیت برای آزادی بیان، این است که چنانچه از مصادیق و ابزارهای بیان، برای تبلیغات استفاده و استعمال سوء و نابجا شود، این آزادی قابلیت محدود شدن را دارد. در میان اسناد بین‌المللی حقوق بشر، کنوانسیون امریکایی حقوق بشر محدودیتی را مقرر داشته که تا اندازه‌ای مشابه محدودیت مقرر شده اعلامیه اسلامی حقوق بشر است؛ ولی تفاوت آن با اعلامیه اسلامی در این است که مصادیق این محدودیت به دقت مشخص شده، در حالی که در اعلامیه اسلامی از آن غفلت شده است.

بند ۵ ماده ۱۳ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر مقرر می‌دارد:

تبلیغ به نفع جنگ، نفرت و خصومت ملی، نژادی و مذهبی که منجر به خشونت و یا هرگونه اقدام غیرقانونی بر ضد دیگر افراد و یا دیگر گروه‌ها در هر زمینه‌ای شود، باید به عنوان جرایم قابل مجازات توسط قانون لحاظ گردد.

ادبیات به کار گرفته شده در این بخش، گرچه درباره محدودیت‌های آزادی مطرح شده است؛ ولی نباید از این نکته غافل بود که در حقیقت این محدودیت‌ها در جهت تضمین آزادی‌های دیگران، از جمله آزادی بیان آنان است. در صورتی که چنین محدودیتی بر آزادی بیان پیش‌بینی نشود، افراد و گروه‌ها می‌توانند با تحریک و ترغیب طرفداران خود به انجام اقدامات خشونت‌بار بر ضد دیگران، آنها را از هر گونه حق

اظهار نظر منع کنند. آزادی بیان، محیط بهداشتی تعامل اجتماعی و تکثر سیاسی، همه و همه در گرو نبود جوّ خشونت‌بار در مقابل اظهار نظرهای دیگران است. نفرت نژادی، مذهبی و سیاسی همراه با اقدامات خشونت‌بار، جایی برای هیچ‌گونه آزادی باقی نمی‌گذارد، چه برسد به آزادی بیان (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۸).

۲. انطباق با اسلام و مسئله تفسیر مواد اعلامیه

افزون بر محدودیت‌هایی که در ماده ۲۲ اعلامیه اسلامی به روشنی بر آزادی بیان وضع شده است، دو ماده دیگر نیز وجود دارد که به صورت ماهوی از راه مقرر کردن مسئله انطباق با اسلام در ماده ۲۴ و تفسیر و تبیین هر یک از مواد اعلامیه در ماده ۲۵، می‌تواند ابزاری دیگر برای ایجاد محدودیت‌های هر چه بیشتر برای آزادی یادشده تلقی شود. در این باره ماده ۲۴ اعلامیه اسلامی مقرر داشته است: «کلیه حقوق و آزادی‌های مذکور در این سند، مشروط به مطابقت با احکام شریعت اسلامی می‌باشد». به عبارت دیگر هر چند آزادی‌ها و حقوق بیان‌شده در این سند با توافق جمعی کشورهای اسلامی به تصویب رسیده است؛ ولی این آزادی‌ها و به طریق اولی آزادی بیان در مواجهه با شریعت اسلام، تنها در صورتی قابل اجرا و اعمال خواهد بود که در تطابق با آن باشد. حکم ماده ۲۴ محل تأمل است؛ زیرا اولاً، اعلامیه با قید اسلامی صادر شده و این امر بدان معناست که تصویب‌کنندگان آن، به طور مسلم آزادی‌های شرعی را مد نظر داشته و با آگاهی کامل، با اجماع و توافق به تصویب آن پرداخته‌اند؛ بنابراین نیازی به این ماده وجود نداشت؛ ثانیاً، وضع‌کنندگان اعلامیه در ابتدا حقوق و آزادی‌ها را تصریح کرده، سپس در این ماده تأکید کرده‌اند آزادی‌های یادشده در مواد قبل باید مطابق دین اسلام باشد. این ماده افراد را با نوعی تردید نسبت به آزادی‌های مقرر سابق روبه‌رو می‌سازد که وقتی این آزادی‌ها مقرر شده‌اند، بدین معناست که با اسلام مطابقت دارند؛ پس چرا دوباره باید تصریح به انطباق با اسلام در ماده‌ای جداگانه ذکر شود. در نهایت میان مذاهب اسلامی اختلاف دیدگاه‌های فقهی وجود دارد. به عبارت دیگر ممکن است نسبت به مسئله آزادی بیان در فقه شیعه تفاوت‌هایی در مقایسه با فقه اهل سنت وجود داشته باشد، حتی میان شاخه‌های گوناگون یک مذهب؛ مثلاً میان فقه شافعی و فقه

حنفی یا میان فقه شیعه اثناعشری یا فقه شیعه زیدیه؛ بنابراین در ملاک انطباق با شریعت اسلامی، حکم ماده مذکور موجد ابهام خواهد بود.

در ماده ۲۵ اعلامیه اسلامی حقوق بشر تصریح شده است: «شریعت اسلامی تنها مرجع برای تفسیر یا توضیح هر ماده از مواد این اعلامیه می‌باشد». به عبارت دیگر آزادی‌ها و حقوقی که در این اعلامیه مقرر و تعیین شده‌اند، در چهارچوب دین اسلام قابل تفسیر و تبیین‌اند و آزادی بیان نیز که جزء حقوق مقرر شده این سند به شمار می‌آید، چنانچه نیازی به تفسیر داشته باشد، در چهارچوب اسلام صورت می‌گیرد. قواعد حقوقی از آن جهت که حق و تکلیف را مشخص می‌کنند، باید آن اندازه صریح و روشن باشند که مجریان قادر به اجرای آن قواعد بوده و تابعان آن قواعد، در ادای تکالیف و یا استیفای حقوق خویش با ابهام مواجه نشوند؛ ولی مسائل جامعه آنقدر وسیع و پُرزایه است که قانونگذار، به رغم تمام مراتب دقت و حزم، قادر نخواهد بود آنچه را لازم است پیش‌بینی کند. همچنین با وجود انتظاری که در بیان قوانین از قانونگذار داریم، گاهی زبان قانون نمی‌تواند قادر به بیان تمام مطالب باشد. از سوی دیگر، مسائل و تغییر احوال جامعه به گونه‌ای است که نمی‌توان تمام جزئیات را پیش‌بینی کرد؛ بنابراین قانونگذار به ذکر کلیات و اصول مطالب اکتفا کرده است و تطبیق جزئیات را به مجریان و توضیح ابهامات را به آیندگان می‌سپارد؛ بنابراین باب «تفسیر» به عنوان یک اصل در علم حقوق پیوسته مفتوح است تا به راحتی بتوان به حل و فصل امور پرداخت. بر این اساس «تفسیر» علمی است که میان مفهوم ذهنی و مفهوم مادی رابطه‌ای منطقی برقرار می‌کند. به عبارت دیگر «تفسیر» یعنی مطابقت‌دادن قانون با عمل و اجراء، تا مفسر از راه‌های ادبی، منطقی، تاریخی و مانند آن به هدف و منظور قانونگذار دست یابد و با اعلام نظر تفسیری، مواد قانون را روشن و برای اعمال و اجرا ولیده سازد (هاشمی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۷-۲۴۸). با توجه به این توضیحات، ماده ۲۵ اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز ماده‌ای را به تفسیر اختصاص داده است تا چنانچه ابهامی درباره حقوق و آزادی‌های مقرر شده آن مشاهده شد، با تفسیر و تبیین به وسیله نهادهای مرجع این امر در چهارچوب اسلام، مقصود از آن مسئله غامض روشن شود؛ ولی مشخص نیست این تفسیر در چهارچوب اسلام، به چه صورتی باید صورت گیرد. آیا با توجه به

مذاهب گوناگون اسلامی در بطن دین اسلام، ملاک، مذاهب اهل سنت‌اند یا مذاهب اهل تشیع؟ با توجه به تفاوت‌های فقهی این دو مذهب بزرگ اسلام، برای تفسیر مسئله‌ای چون آزادی بیان باید کدام یک از مسائل فقهی را در نظر گرفت؟ در این میان این مخاطره وجود دارد که هر فرد، گروه و تشکلی می‌تواند به واسطه تفسیر شخصی خود از آزادی‌های مقرر شده در این اعلامیه و به ویژه محدودیت‌های آزادی بیان، زمینه را برای مضیق‌تر کردن هرچه بیشتر آزادی مذکور فراهم آورد و پیروان خود را به سمت انحراف و حتی تحریک به خشونت رهنمون سازد.

۳. فقدان اصول حاکم بر اجرای محدودیت‌های آزادی بیان در اعلامیه اسلامی حقوق بشر

اعمال هرگونه محدودیت برای آزادی بیان، صرفاً به عنوان استثنا مطرح بوده است و باید حتی‌الامکان به نفع حق آزادی بیان صورت گیرد؛ بنابراین اعمال چنین محدودیت‌هایی با پیش‌فرض قبلی مجاز نیست، مگر اینکه در یک چهارچوب حقوقی که در نظام بین‌الملل حقوق بشر پیش‌بینی شده است، انجام شود (رضایی نژاد، ۱۳۸۰، ص ۲۸).

بسیاری از محدودیت‌های ذکر شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر از جمله اعلامیه اسلامی حقوق بشر، مفاهیمی بسیار کلی، کش‌دار و قابل تفسیرند. این امر می‌تواند اسباب سوء استفاده را فراهم سازد؛ تا آنجا که این محدودیت‌ها به ابزاری برای حکومت‌ها تبدیل می‌شوند تا با تفاسیر موسع و تطبیق آنها بر موارد گوناگون، عرصه را برای آزادی بیان تنگ کنند. به همین دلیل در برخی اسناد بین‌المللی اعمال محدودیت بر آزادی بیان تابع ضوابط و استانداردهای خاصی است؛ به‌عنوان مثال، با بررسی ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مواد ۱۹ و ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، کنوانسیون امریکایی حقوق بشر و نیز رویه قضایی بین‌المللی مشاهده می‌شود که اعمال هرگونه محدودیت بر آزادی بیان باید در چهارچوب قانون، بدون تبعیض و در جهت ضرورت‌های یک جامعه دموکراتیک صورت گیرد (مولایی، ۱۳۷۸، ص ۲۱).

نخست، محدودیت‌ها باید تابع اصل قانونی باشند؛ یعنی اولاً، محدودیت مورد بحث

باید به میزانی بر اساس حقوق داخلی تنظیم شود؛ ثانیاً، قانون باید به اندازه کافی در دسترس باشد؛ ثالثاً، قانون باید به گونه‌ای صورت‌بندی شده باشد که به اندازه کافی قابلیت پیش‌بینی را برای شهروندان فراهم سازد (مرکز مالگیری، ۱۳۸۳، ص ۷۶۴).

دوم، اعمال اصل عدم تبعیض یا اصل برابری است. این اصل هرچند در حقوق طبیعی سابقه‌ای طولانی دارد، نخستین بار در عرصه بین‌المللی با تصویب منشور سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شد. این اصل اساسی در بند نخست ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز تبلور یافته است (انصاری، ۱۳۸۸، ص ۱۱۶). این قید در همه اسناد حقوق بشری بر این عقیده استوار است که برخورد تبعیض‌آمیز با اشخاص به واسطه ویژگی خاص آنها یا تعلقشان به یک گروه خاص، مطابق با اصل برابری نیست. قید مزبور می‌تواند عام یا خاص بر حقوق افراد باشد و از نظر برخی، مهم‌ترین قاعده در نظام بین‌المللی حقوق بشر تلقی می‌شود (همان، ص ۲۶).

ضابطه دیگری که در ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ماده ۱۳ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر تأکید شده است، مسئله ضرورت و لزوم یک جامعه دموکراتیک به جهت اعمال هر گونه محدودیت بر آزادی بیان است. مفهوم ضرورت در این اصل بدان معنا نیست که دولتمردان مقتدر آن را ضروری قلمداد کنند، بلکه آن چیزی است که به طور معقول در جوامع دموکراتیک، ضروری تلقی شود؛ بنابراین برای پذیرش اینکه آیا اعمال محدودیتی ضروری بوده یا خیر، با یک پیش‌شرط جامعه دموکراتیک مواجه ایم؛ یعنی دولتی می‌تواند اعمال محدودیت بر آزادی بیان را تجویز کند که دولتی دموکراتیک باشد (همان، ص ۲۸).

شرط ضرورت دموکراتیک می‌تواند متضمن مفاهیم ذیل باشد:

الف) وجود دلیل کافی بر ضرورت اجرای محدودیت؛ یعنی دولت‌ها برای اعمال محدودیت بر آزادی بیان، دلایل کافی و منطقی داشته باشند و بدون وجود دلیل برای این مسئله، حق اعمال محدودیت نخواهند داشت و نمی‌توانند به‌طور اختیاری و دلخواهانه به این امر مبادرت کنند.

ب) داشتن هدف مشروع؛ بدین معناست که اعمال محدودیت آنان بر آزادی بیان با هدفی مشروع و قانونی روبه‌رو باشد، نه اینکه عابثانه و بدون چنین مقصودی به اجرای

محدودیت اقدام کنند.

با وجود این، اعلامیه اسلامی حقوق بشر هیچ ضابطه و استانداردی را که لازمه ایجاد محدودیت بر آزادی بیان باشد، پیش‌بینی نکرده است و با تساهل نسبت به این مسئله، راه را بر محدودیت هرچه بیشتر این حق باز کرده است. در چنین وضعیتی راه بر تفسیرهای موسع از محدودیت‌های آزادی بیان باز خواهد شد، به‌ویژه آنکه اعلامیه اسلامی حقوق بشر محتوای کلمات و تعابیر بسیار کلی همچون ضوابط اسلام، تشتت در جامعه، آسیب‌رساندن به عقاید و... را به عنوان محدودیت بر آزادی بیان در نظر گرفته است که این مفاهیم بسیار کلی، می‌تواند با اعمال تفاسیر شخصی محدودیت‌های ناموجه را بر آزادی بیان مترتب سازد.

نتیجه

۱۷۶

اعلامیه حقوق بشر اسلامی در واقع تلاشی از سوی کشورهای اسلامی برای ابراز هویت اسلامی خود در سطح بین‌المللی و بیان دیدگاه‌ها و نظرات این دین الهی در مورد حقوق انسان‌هاست. با مروری بر آنچه گذشت می‌توان به آسانی دریافت اعلامیه اسلامی حقوق بشر درباره محدودیت‌های آزادی بیان، مسیری کاملاً جدا را انتخاب کرده است؛ زیرا به محدودیت‌هایی اشاره دارد که در هیچ‌یک از اسناد بین‌المللی حقوق بشر توجه نشده است. در میان تمام محدودیت‌های ذکر شده در اعلامیه اسلامی، آنچه بیشتر باعث فاصله از دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر شده است، آسمانی بودن اعلامیه و تأکید آن بر قید ضوابط اسلام است. ماهیت دینی اعلامیه قاهره باعث شده است امکان همگرایی آن با دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر به حداقل ممکن برسد؛ زیرا همان‌گونه که توضیح داده شد، اعلامیه اسلامی ریشه در وحی الهی دارد؛ ولی دیگر اسناد مورد بحث حاصل تفکرات بشری‌اند.

در اعلامیه اسلامی حقوق بشر محدودیت‌هایی برای آزادی بیان در نظر گرفته شده است که بسیار موسع بوده و مصادیق آن کلی‌اند. همچنین در انتخاب واژگان، دقت لازم صرف نشده است. عبارات مندرج در اعلامیه می‌توانند با فراهم‌آوری امکان ارائه تفسیرهای گوناگون، محدودیت‌های هرچه بیشتری را بر حق آزادی بیان مترتب سازند.

اعلامیه مذکور برخلاف اسناد بین‌المللی دیگر، هیچ استنادی را برای اعمال محدودیت‌ها در نظر نگرفته است. فقدان اصولی چون قانونی‌بودن، اصل عدم تبعیض و ضرورت یک جامعه دموکراتیک، کاستی‌های این اعلامیه را در مقایسه با اسناد بین‌المللی دیگر آشکار می‌سازد؛ زیرا فقط استانداردهای مذکور می‌توانند مانع سوء استفاده قدرت‌ها شود؛ به گونه‌ای که نتوانند با تفاسیر موسع حق آزادی بیان را با محدودیت‌های غیرضروری روبه‌رو سازند.

افزون بر آنچه ذکر شد، دامنه محدودیت‌های مذکور در اعلامیه اسلامی حقوق بشر تا اندازه‌ای گسترده‌تر از محدودیت‌های مقرر در دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر است؛ زیرا علاوه بر محدودیت‌های مقرر در اسناد بین‌المللی، در اعلامیه قاهره به محدودیت‌های مثبتی بر ضوابط اسلام نیز پرداخته شده است. گفتنی است تنها محدودیت برجسته‌ای که برخلاف سایر اسناد مورد توجه اعلامیه قاهره نبوده، اخلاق حسنه است. این امر را نمی‌توان دال بر بی‌توجهی اعلامیه اسلامی به مسائل اخلاقی دانست؛ زیرا بسیاری از موارد اخلاقی در دین اسلام مورد توجه جدی قرار گرفته‌اند و لفظ ضوابط اسلام آنها را پوشش می‌دهد؛ هرچند تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند.

منابع

۱. آیتی، حمید؛ حقوق آفرینش‌های فکری؛ چ ۱، تهران: نشر حقوقدان، ۱۳۷۵.
۲. انصاری، مریم؛ بررسی نظام حقوقی آزادی‌های رسانه‌ای در ایران در پرتو اسناد بین‌المللی و چالش‌های فراروی آن؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تبریز: دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، ۱۳۸۸.
۳. حدادی، مهدی؛ «مقایسه مفهوم و کارکرد نظم عمومی در نظام حقوقی بین‌الملل»، مجله حقوق خصوصی؛ ش ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
۴. خمینی، سیدروح‌الله؛ استفتانات؛ ج ۲، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰.
۵. رضایی‌نژاد، ایرج؛ «آزادی بیان در نظام بین‌المللی حقوق بشر»، ماهنامه وکالت؛ ش ۸، آذر و دی ۱۳۸۰.
۶. زارعی، محمدحسین و مرتضی نجابت‌خواه؛ «آزادی بیان»؛ نشریه حقوق اساسی؛ ش ۱۱، تابستان ۱۳۸۸.
۷. شریفی طرازکوهی، حسین، «درآمدی بر بنیان‌های نظری حقوق بشر»، نامه مفید، ش ۴۶، بهمن و اسفند ۱۳۸۳.
۸. شیروانی، علی؛ شرح لمعه؛ ترجمه مسعود عباسی؛ ج ۵، چ ۸، تبریز: انتشارات فروزش، ۱۳۹۱.
۹. صادقی، محسن؛ «مفهوم و اعمال نظم عمومی در مراجع قضایی و شبه‌قضایی و جلوه‌های نوین آن»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی؛ ش ۶۸، تابستان ۱۳۸۴.
۱۰. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد؛ حقوق بشر در جهان معاصر؛ چ ۲، تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۸۹.
۱۱. گرجی، علی‌اکبر؛ مبانی حقوق عمومی؛ تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۱.
۱۲. مرکز مالگیری، احمد؛ «محدودیت‌های اعمال حقوق بشر در حقوق داخلی و

- کنوانسیون‌های بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات راهبردی؛ ش ۲۶، زمستان ۱۳۸۳.
۱۳. مهرپور، حسین؛ نظام بین‌المللی حقوق بشر؛ چ ۴، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۰.
۱۴. مولایی، مهرداد؛ «آزادی بیان و محدودیت‌های آن در دادگاه اروپایی حقوق بشر»، فصلنامه رسانه؛ ش ۱۰، تابستان ۱۳۷۸.
۱۵. نقیب، فهیمه؛ آزادی بیان و توهین به مقدسات در پرتو نظام بین‌المللی حقوق بشر؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهبشتی، ۱۳۹۰.
۱۶. هاشمی، سیدمحمد؛ حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ ج ۲، چ ۱۴، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۱.
17. Daudin Clavaud, Paul; **Freedom of Expression and Public Order**; United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, Paris, 2015 (Available at: www.unesdoc.unesco.org/images/0023/002313/231305e.pdf).
18. Mendel, Toby; **Restricting Freedom: Standard and Principles**; Center for Law and Democracy; 2008, pp.1-23 (Available at: www.law-democracy.org/wp-content/.../07/10.03.Paper-on-Restrictions-on-FOE.pdf).
19. Scolnicove, Anat; **The Right to Religious Freedom in International Law**; New York, Routledge, 2011.
20. ICNL; **The Right to Freedom of Expression: Restrictions on a Foundational Right**; Global trend in NGO Law, vol.6. April 2015, pp.1-28, (Available at: www.icnl.org/research/trends/trends6-1.pdf).